خداوندی که عادل و بخشنده باشد نمی‌تواند وجود داشته باشد

یکی دیگر از ادله منطقی بیخدایان مثبتگرا خداوندی که عادل و بخشنده باشد نمی‌تواند وجود داشته باشد است.

نمیدانم آنها که میخواهند بین عادل بودن و بخشنده بودن خدا در روز قیامت ، تناقض نشان دهند و بگویند میلیاردها انسان در طول تاریخ دیانت این اندازه نفهمیدند که وقتی میگویند خدا هم عادل است وهم بخشنده این تناقض و محال است ، چرا راه را دور کردند؟! خوب وقتی راه نزدیکتر هست چرا دنبال بیانات علمی و پیچ وتاپ صغری و کبرای منطقی رفتند؟! همه میدانیم یکی از واژه‌های لاینفک قیامت و آخرت جهنم است ، خوب بود بگویند اساسا بخشندگی خدا و جهنم در تناقض است ، اینکه تناقضی راحتتر و واضحتر است!!

به ترتیب بعض فقرات استدلال آنها را بررسی میکنم :

یکی دیگر از ادله منطقی بیخدایان مثبتگرا **خداوندی که عادل و بخشنده باشد نمی‌تواند وجود داشته باشد** است.

نمیدانم آنها که میخواهند بین عادل بودن و بخشنده بودن خدا در روز قیامت ، تناقض نشان دهند و بگویند میلیاردها انسان در طول تاریخ دیانت این اندازه نفهمیدند که وقتی میگویند خدا هم عادل است وهم بخشنده این تناقض و محال است ، چرا راه را دور کردند؟! خوب وقتی راه نزدیکتر هست چرا دنبال بیانات علمی و پیچ وتاپ صغری و کبرای منطقی رفتند؟! همه میدانیم یکی از واژه‌های لاینفک قیامت و آخرت جهنم است ، خوب بود بگویند اساسا بخشندگی خدا و جهنم در تناقض است ، اینکه تناقضی راحتتر و واضحتر است!!

به ترتیب بعض فقرات استدلال آنها را بررسی میکنم :

> ### مقدمه:
>
> این نوشتار شرحی مختصر است بر یکی از گزینه‌های مطرح شده در نوشتار "یک نظرسنجی پیرامون برهان ناسازگاری ویژگی‌های الهی" نوشته دکتر تئودورم درنگ پروفسور رشته فلسفه دانشگاه ویرجینیای غربی. قبل از خواندن این نوشتار توصیه میشود نوشتاری با فرانام تناقض چیست؟ مطالعه شود و اصل تناقض کامل درک شود.

من هم توصیه میکنم به سؤالاتی که درباره اصل تناقض مطرح کردم مراجعه فرمایید.

لاوه اینکه در بحث **تناقض در قدری مطلق** یادآور شدم که حتی بسیاری از قضایای منطق د
رزشی که نزد پیشینیان تناقض آشکار بود در عصر ما به تناقض نما تبدیل شده و دانشمندا
ین عصر به راحتی نمیپذیرند تناقض بودن دو امر را ، و لذا تعجب میکنم که چگونه به خود اجاز
ادن تناقض را در عناصر حقوقی از قبیل عدالت و بخشش که خود مفاهیم داد میزند که از منطق د
رزشی نیست مطرح کنند.

> ویژگی اساسی که این نوشتار با آن سر و کار دارد در مورد همین قضاوتی است که خداوند بعنوان یک قاضی در مورد انسانها خواهد کرد. اکثر خداباوران خداوند را عادل مطلق و همچنین **بخشنده مطلق** میدانند. این نوشتار بر آن است تا نشان دهد از آنجایی که عدالت ورزیدن و بخشش ورزیدن در یک قضاوت در تناقض با یکدیگر هستند، با استناد به اصل منطقی محال بودن اجتماع و ارتفاع نقیضین موجودی که در تعریف خود این دو ویژگی را داشته باشد اساساً استعداد وجود داشتن را ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد. لذا تعریفی که دین داران از خدا ارائه میدهند که کاملا برخاسته از کتابهای دینیشان است از آنجا که در درون خود دارای تناقضی فاحش است خود دلیلی قطعی بر عدم وجود چنین خدایی و دلیلی بر بطلان کل این مکاتب فکری به اصطلاح الهی است. خدای عادل و بخشنده همانند مثلث چهارگوش و یک جسم شکسته که نشکسته است نمیتواند وجود داشته باشد.

سه مغالطه بسیار اساسی در این استدلال است که توصیه میکنم به هر سه خوب توجه کنید تا ببینید عبارات آنها همگی زرق و برق خود را از این سه مغالطه میگیرد:

۱- اشتباه در استنتاج منطقی مطلق از کامل.
۲- اشتباه در قرار دادن بخشندگی و عدالت از عناصر منطق دو ارزشی.
۳- اشتباه در ملزم گرفتن عدالت با استحقاق.

بازبینی #1
ایجاد شده 5 مه 2025 16:39:52 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 مه 2025 16:57:21 توسط ... .